

۶ نکته حقوقی پیرامون توافق اخیر ایران و آمریکا

دولت ایالات متحده آمریکا در گذشته بارها اثبات کرده است می‌تواند از بازی‌های استانداردهای دوگانه (Double Standard) در زمینه‌های حقوقی، قرار دادی، به ویژه حقوق بشری و مبارزه با جرائم پولشویی و تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند، از این رو متأسفانه هنرمندانه از حقوق آمریکا علیه حقوق بین‌الملل پدیرفته شده در جامعه بین‌المللی بهره جسته است.

امریکا نمی‌تواند آزادی‌سازی پول‌های بلوکه‌شده را در راستای ارزش‌گذاری برای حقوق بشر (تهیه غذا و دارو برای ایرانیان) تفسیر و توجیه کند، زیرا اقدامات ایالات متحده آمریکا در بلوکه‌سازی دارایی‌های ایران در کشورهای مختلف جهان از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون و انسداد دارایی‌های ملت مظلوم ایران به بهانه‌های مختلف، به صورت یک رو به غالب درآمده است.

لزوم تدابیر محتاطانه در برابر استانداردهای دوگانه!

دکتر سید نصرالله ابراهیمی*

هفته دوم ماه جاری بود که ابتدا برخی اخبار غیررسمی مبنی بر توافق ایران و آمریکا برای آزادی پول‌های بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی و از طرف دیگر آزادی برخی زندانیان دو تابعیتی در ایران منتشر شد. با گذشت ساعتی این اخبار توسط رسانه‌های رسمی و مقامات دو طرف هم تأیید شد، هر چند جزئیات را اعلام نکردند. بر اساس این توافق ۶ میلیارد دلار از منابع ایران که به صورت غیرقانونی در کره جنوبی بلوکه شده بود، آزاد و به بانکی در قطر منتقل شد تا کشورمان بتواند کالاهای مورد نیاز خود را توسط این منابع خریداری کند، از طرف دیگر هم زندانیان دو تابعیتی بر اساس اعلام برخی منابع به هتلی در تهران منتقل شدند. دلیل این امر زمان چند هفته‌ای لازم برای اجرای کامل توافقات است. توافق حاضر می‌تواند از ابعاد مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار داد که یکی از این ابعاد مهم، بعد حقوقی و مخصوصاً حقوق بین‌الملل است. دکتر «نصرالله ابراهیمی» عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در یادداشتی اختصاصی برای روزنامه جوان ابعاد حقوقی و بین‌المللی این توافق را مورد واکاوی قرار داده است که در ادامه متن کامل آن را می‌خوانید.

اثبات کرد از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بزرگ داخلی و بین‌المللی در میدان‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و حقوقی در سطح داخلی و بین‌المللی برخوردار و این نظام ریشه‌دارتر از آن است که گرفتار کودتاهای مخملی، فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی شود، به گونه‌ای که نتواند از اهداف، آرمان‌ها، مأموریت‌ها، برنامه‌ها و اصول الهی و انسانی خود در سطح داخلی و بین‌المللی محافظت و نگهداری کند.

مجموعه اقداماتی که دولت جمهوری اسلامی ایران در فعال‌سازی تهاجمی سیاست خارجی و همین‌طور در دیپلماسی میدانی اقتدار با رونمایی موشک‌های هایپرسونیک انجام داده و تمامی گام‌هایی که در سال‌های اخیر مبنی بر حفظ جهاد مقاومتی در همه عرصه‌های بین‌المللی برداشته است، بالاخره در طول سال‌های معاصر جواب داده و دولت‌های غربی به ویژه دولت ایالات متحده آمریکا مجبور به عقب‌نشینی ولو از روی ناچاری شده‌اند. بدون شک، عقب‌نشینی مزبور تأثیرات مثبتی را در سطح بین‌المللی گذاشته و بالطبع سطح پذیرش میدانی و اصول حقوق بین‌المللی ایران را در جامعه حقوق بین‌الملل ارتقا خواهد داد.

پیامدهای حقوقی توافق ایران و آمریکا

در خصوص توافقی اخیر بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا در خصوص تبادل زندانیان قیامین از یک طرف و آزادی پول‌های بلوکه‌شده ایران، نکات زیر از منظر حقوقی بین‌المللی قابل توجه است:

۱) آمریکا نمی‌تواند آزادی پول‌های بلوکه‌شده را قدیس‌زایی و ارزشی تلقی کند، از این رو اقدام خود را در راستای ارزش‌گذاری برای حقوق بشر (تهیه غذا و دارو برای ایرانیان) تفسیر و توجیه کند، زیرا اقدامات

به استناد اعمال قوانین فراسرزمینی داخلی (Extraterritorial application of domestic law) یا سوءاستفاده از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی مالی نظیر FATF یا سازمان‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی از قبیل IMF به اقدامات یکجانبه خود در تحریم اقتصادی می‌کند، ضمن آنکه دولت ایالات متحده آمریکا از منظر اقتصادی نمی‌تواند بهره‌بردار از منابع و دارایی‌های مالی رفع توقیف‌شده در اختیار جمهوری اسلامی ایران را برای مصارف مخصوص محدود کند، بلکه این منابع برای نیازهای مختلف کشور حسب تشخیص مراجع ذی‌صلاح حاکمیتی دولت جمهوری اسلامی در راستای مصالح عمومی و امنیت ملی هزینه خواهد شد.

۳) آنچه دولت ایالات متحده آمریکا در هفته‌های اخیر نسبت به آزادی پول‌های بلوکه‌شده ایران و آزادی و تبادل زندانیان توافق کرده است، نه لطفی در حق ایران و نه منتی بر سر مردم ایران خواهد بود، زیرا اساساً بلوکه کردن اموال و دارایی‌های ایران نزد بانک‌ها و کشورهای خارجی و به زندان افکندن ایرانیانی که در راستای فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی در تور نظام امنیتی و قضایی آمریکا گرفتار شده‌اند، از دیدگاه حقوق بین‌الملل اقدامی غیرقانونی و غیرمشرع بوده و اقدامات مزبور ناقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر بین‌المللی است.

۴) دولت جمهوری اسلامی ایران بارها به کشورهای نظیر کره جنوبی فشار دیپلماتیک و حقوقی وارد کرده بود که با آنکه این کشورها هیچ‌گونه توجیه حقوقی و شرعی برای ادامه تحریم‌ها و استمرار در بلوکه‌شدن اموال و دارایی‌ها و توقیف حساب‌های بانکی ایران نداشتند، ولی به دلیل فشارهای غیرقانونی و خلاف اصول حقوق بین‌المللی آمریکا نمی‌توانستند با ایران در خصوص آزادی پول‌های بلوکه‌شده در کشورشان تعامل مؤثر و سازنده‌ای داشته باشند، از این رو بارها مقامات سیاسی و دیپلماتیک این کشورها اعلام می‌کردند این پول‌ها به خاطر فشارهای تحریمی آمریکا به ایران مسترد نمی‌شود، لذا لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران ابتدائاً در خصوص آزادی پول‌های بلوکه‌شده در کشورها با دولت ایالات متحده آمریکا به طور مستقیم یا استفاده از کشورهای میانجی نظیر عمان و قطر، مذاکره و هماهنگی کند.

۵) از منظر حقوق بین‌الملل، دولت آمریکا نمی‌تواند

به استناد اعمال قوانین فراسرزمینی داخلی (Extraterritorial application of domestic law) یا سوءاستفاده از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی مالی نظیر FATF یا سازمان‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی از قبیل IMF به اقدامات یکجانبه خود در تحریم اقتصادی می‌کند، ضمن آنکه دولت ایالات متحده آمریکا از منظر اقتصادی نمی‌تواند بهره‌بردار از منابع و دارایی‌های مالی رفع توقیف‌شده در اختیار جمهوری اسلامی ایران را برای مصارف مخصوص محدود کند، بلکه این منابع برای نیازهای مختلف کشور حسب تشخیص مراجع ذی‌صلاح حاکمیتی دولت جمهوری اسلامی در راستای مصالح عمومی و امنیت ملی هزینه خواهد شد.

۳) آنچه دولت ایالات متحده آمریکا در هفته‌های اخیر نسبت به آزادی پول‌های بلوکه‌شده ایران و آزادی و تبادل زندانیان توافق کرده است، نه لطفی در حق ایران و نه منتی بر سر مردم ایران خواهد بود، زیرا اساساً بلوکه کردن اموال و دارایی‌های ایران نزد بانک‌ها و کشورهای خارجی و به زندان افکندن ایرانیانی که در راستای فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی در تور نظام امنیتی و قضایی آمریکا گرفتار شده‌اند، از دیدگاه حقوق بین‌الملل اقدامی غیرقانونی و غیرمشرع بوده و اقدامات مزبور ناقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر بین‌المللی است.

۴) دولت جمهوری اسلامی ایران بارها به کشورهای نظیر کره جنوبی فشار دیپلماتیک و حقوقی وارد کرده بود که با آنکه این کشورها هیچ‌گونه توجیه حقوقی و شرعی برای ادامه تحریم‌ها و استمرار در بلوکه‌شدن اموال و دارایی‌ها و توقیف حساب‌های بانکی ایران نداشتند، ولی به دلیل فشارهای غیرقانونی و خلاف اصول حقوق بین‌المللی آمریکا نمی‌توانستند با ایران در خصوص آزادی پول‌های بلوکه‌شده در کشورشان تعامل مؤثر و سازنده‌ای داشته باشند، از این رو بارها مقامات سیاسی و دیپلماتیک این کشورها اعلام می‌کردند این پول‌ها به خاطر فشارهای تحریمی آمریکا به ایران مسترد نمی‌شود، لذا لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران ابتدائاً در خصوص آزادی پول‌های بلوکه‌شده در کشورها با دولت ایالات متحده آمریکا به طور مستقیم یا استفاده از کشورهای میانجی نظیر عمان و قطر، مذاکره و هماهنگی کند.

۵) از منظر حقوق بین‌الملل، دولت آمریکا نمی‌تواند

از قطعیت بخشیدن به این توافق و در طول زمان اجرای آن تا حصول نتیجه از تمامی تدابیر حقوقی و قراردادی لازم‌الاجرا بهره‌جوید و فرصت استفاده از استانداردهای دوگانه را به طرف آمریکایی ندهد. بدیهی است توان فنی و تخصصی تیم مذاکره‌کننده، استفاده از قراردادنویسان قهار و توانمند بین‌المللی، بهره‌برداری از حقوقدانان بین‌الملل برجسته که در عرصه دانش و تجربه از کفایت‌های خاص بین‌المللی برخوردار می‌باشند، اعمال جامع مدیریت بازرگانی، قراردادی، محیطی و حقوقی در ارزیابی نوشتاری اسناد چنین توافقاتی می‌تواند دولت جمهوری اسلامی ایران را در کنار جنگ توافقات دوجانبه یا چندجانبه با دولت ایالات متحده آمریکا موفق و پیروز کند.

خاتم آنکه با توجه به سناریوهای مختلف دولت ایالات متحده آمریکا در توافقات دوجانبه یا چندجانبه بین‌المللی با این رو به ویژه نقض مکرر توافقنامه برجام، لازم است توافق به عمل آمده بین دولتین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خصوص آزادی پول‌های بلوکه‌شده ایران و همچنین تبادل زندانیان طرفین با یک‌دیگر، سند توافقی دوجانبه و ترجیحاً چندجانبه لازم‌الاجرا و با شرایط و مفاد تعهدات قراردادی دقیق تنظیم گردد تا دولت ایالات متحده آمریکا نتواند تعهدات خود، خواه به صورت جزئی یا کلی را نقض کند و در غیر این صورت باید هزینه‌های بسیار گزافی برای نقض تعهدات تضرر بپردازد. در هر حال لازم است به دلیل پیش‌بینی شرایط غیر احتمالی توافقات خصوصی لازم‌الاجراست اقدامات مقابله‌به‌مثل نیز در فرض نقض مزبور، شرایط و مفاد توافقنامه قیامین از صلاحت حقوقی و قراردادی بین‌المللی قابل توجهی و با ضمانت اجرای داخلی و خارجی خوبی برخوردار باشد، به عنوان مثال، در این توافقنامه (Double Standard) در زمینه‌های حقوقی، قراردادی، و به ویژه حقوق بشری و مبارزه با جرائم پولشویی و تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند، از این رو متأسفانه هنرمندانه از حقوق بین‌المللی و دیپلماسی حقوق بین‌الملل کشور در مواجهه با اقدامات غیرقانونی دولت ایالات متحده آمریکا نیز فراهم شده است. در این خصوص لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر استفاده از دیپلماسی میدانی و به کارگیری ابزارهای غیرحقوقی خود از تمامی ظرفیت‌های حقوقی و قراردادی خود در عرصه بین‌الملل بهره جسته و با استفاده از حقوقدانان بین‌الملل کشور و ابزارهای موجود در سطح داخلی و بین‌المللی مبادرت به طرح اقدامات حقوقی علیه این اقدامات غیرقانونی دولت ایالات متحده آمریکا کند.

استانداردهای دوگانه آمریکا

دولت ایالات متحده آمریکا در گذشته بارها اثبات کرده است می‌تواند از بازی‌های استانداردهای دوگانه (Double Standard) در زمینه‌های حقوقی، قراردادی، و به ویژه حقوق بشری و مبارزه با جرائم پولشویی و تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند، از این رو متأسفانه هنرمندانه از حقوق بین‌المللی و دیپلماسی حقوق بین‌الملل کشور در مواجهه با اقدامات غیرقانونی دولت ایالات متحده آمریکا نیز فراهم شده است. در این خصوص لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر استفاده از دیپلماسی میدانی و به کارگیری ابزارهای غیرحقوقی خود از تمامی ظرفیت‌های حقوقی و قراردادی خود در عرصه بین‌الملل بهره جسته و با استفاده از حقوقدانان بین‌الملل کشور و ابزارهای موجود در سطح داخلی و بین‌المللی مبادرت به طرح اقدامات حقوقی علیه این اقدامات غیرقانونی دولت ایالات متحده آمریکا کند.

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

خود را از دست دادند چرا که کشورها و شهروندان اروپایی به صورت واضح بین آنان و اوکراینی‌ها تفاوت قائل می‌شدند. این نکته اخیر را می‌توان نقطه آغاز شکاف جدید مسئله مهاجرت دانست. همچنین نباید چالش‌ها و مصائب اقتصادی بحران اوکراین را که باعث افزایش تورم در کشورهایی چون آلمان شده است، در این بین فراموش کرد. در نهایت نیز باید به قدرت‌گیری احزاب راست افراطی اشاره کرد. افزایش تعداد مهاجران، افزایش تورم به علت تحریم انرژی روسیه همزمان با افزایش هزینه‌های نظامی بیش از پیش باعث سوق یافتن جوامع اروپایی به سمت احزاب راست‌شده و بر هیچ‌کس پوشیده نیست که این احزاب به تأکید خود بر ناسیونالیسم ملی و مخالفت با مهاجران شهرت دارند. با قدرت گرفتن این احزاب فتنسازها بر پناهجویان و مهاجران افزایش یافته که این مسئله نیز ضلع چهارم بحران امروز اروپاست. آنچه مسلم است اینکه اروپا به دلیل غرور کاذب در پیشبرد سیاست‌های خود امروز در گیرافراط‌گرایی خودساخته‌ای شده که دائماً در حال بفرنج‌تر شدن است.

آمدن کلونی‌ها و کاست‌های فرهنگی گوناگون در درون کشورهایی اروپایی شده که به چالش‌تر شدن موضوع کمک کرده است. با وجود همه اختلاف‌نظرها در داخل قاره، کشورهای اروپایی تا حدودی توانسته بودند این چالش را مهار کنند اما وقوع جنگ داخلی سوریه و بدیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا وضعیت را به نقطه بحرانی رساند. درست در زمانی که اتحادیه خپال می‌کرد توانسته است بر این بحران فائق بیاید، فتح افغانستان توسط طالبان و شروع بحران نظامی اوکراین وضعیت را از کنترل خارج کرد. با وجود آمدن چالش‌های اخیر سه مسئله به موازات افزایش تعداد مهاجران به وجود آمد که می‌توان مجموعه آنها را علت اصلی وضعیت افراط‌گرایی افسارگسیخته امروز اروپا دانست. تابش از بحران اوکراین مهاجران وارد شده به اروپا عمدتاً از کشورهای در حال توسعه بودند و کشورهای اروپایی سیاستی برای تفاوت رفتاری در بین مهاجران قائل نبودند اما پس از شروع درگیری در اوکراین و مهاجرت اوکراینی‌ها به کشورهای اروپایی غربی وضعیت برای مهاجران از مبدأ کشورهای توسعه‌یافته در حال توسعه سخت‌تر شد و خیلی از آنان حتی مشاغل و موقعیت‌های اجتماعی

این بسته‌های سیاستی را ناعادلانه می‌دانند و معتقدند کشورهایی همچون آلمان و فرانسه در حال قربانی کردن منافع آنان برای درمان ملدن از بحران‌های حول مسئله مهاجران هستند. علاوه بر این نبود نگاه مشترک سیاسی بین کشورهای عضو اتحادیه و کشورهای اروپایی شرقی مانند بلاروس و اوکراین که عضو اتحادیه نیستند نیز چالش‌های خاص خود را آفریده است. برای مثال در سال ۲۰۲۰ پس از آنکه اتحادیه اروپا انتخابات ریاست‌جمهوری بلاروس را به رسمیت نشناخت و متعاقباً تحریم‌هایی بر این کشور وضع کرد، این کشور سعی کرد با ایجاد کردیدوری برای ورود مهاجران به اتحادیه از طریق کشور لهستان اتحادیه اروپا را تحت‌فشار قرار دهد. همچنین تفاوتی نیز بین مهاجرت‌های متقدم و متاخر به قاره وجود دارد که ناشی از شدت امواج مهاجرتی است. در موج‌های ابتدایی مهاجرت‌ها، مهاجران و پناهجویان به علت کمی جمعیت پس از نسل اول تا حدودی در جامعه مقصد حل می‌شدند، اما با پیدایش جوامع اروپایی و افزایش تعداد مهاجران، کوره ذوب فرهنگی این کشورها توانایی حل کردن این افراد را خود از دست داده است و باعث به وجود

مهاجران و افراط‌گرایی خودساخته اروپا

سیدفؤاد علوی*

در چند ماه اخیر قاره اروپا در جای‌جای خود شاهد افزایش خشونت‌ها علیه مهاجران و پناهجویان بوده است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به طور کلی اروپای غربی در چند دهه اخیر و به ویژه پس از فروپاشی شوروی همیشه به عنوان مقصدی برای مهاجرت شناخته شده‌اند. اما تفاوت‌های فرهنگی و معضلات اقتصادی-امنیتی مسئله مهاجران و پذیرش پناهجویان همیشه از مسائل چالش‌برانگیز بین کشورهای اروپایی بوده و است. در بین کشورهای عضو اتحادیه این چالش کمتر بوده و اتحادیه اروپا سعی کرده است با اتخاذ سیاستی مشترک این مسئله را مدیریت کند، با این حال کشورهایی مانند یونان، اسپانیا و ایتالیا که گذرگاه ورود پناهجویان به اتحادیه هستند،



پژوهشگر مطالعات اروپا